

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انتخاب صحابان

| جلد ۸ |

| الزامات داوطلبی |

برگرفته از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی
حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)



دفترتکامل و تقویت آیت‌الله‌های نهضت اسلامی



مؤسسه پژوهشی فرهنگی
دفتر مطبوعه و نشر آیت‌الله العظمی خاتمی (مدظله العالی)

انتخاب صحیحان

| جلد ۸ |

| الزامات داوطلبی |

برگرفته از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی
حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)

ناشر: انتشارات انقلاب اسلامی
(وابسته به مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی)

نسخه الکترونیکی

هرگونه بهره‌برداری بصورت چاپ و تکثیر ممنوع می‌باشد.

تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان دانشگاه جنوبی، کوچه‌ی عطارد،

شماره‌ی ۷ - تلفن: ۶۶۹۷۷۲۶۸ - ۶۶۴۰۵۱۰۰

مرکز پخش: ۰۹۱۹۵۵۹۳۷۳۲ - سامانه پیامکی: ۰۲۰ ۱۲۰ ۱۰۰۰

پست الکترونیکی: <http://Book-Khamenei.ir> - Info@Book-khamenei.ir

مقدمه

انسان و نظر او در جهان بینی اسلامی از جایگاه والایی برخوردار است و از اینجاست که رأی مردم در مباحث سیاسی اسلام، نقش اساسی و تعیین کننده دارد.

می توان با نگاه به سیره ی سیاسی پیامبر اکرم و امام معصوم (علیهم السلام)، شواهد فراوانی برای این امر پیدا نمود. اگرچه مشروعیت حکومت اسلامی از ولایت الهی نشأت می گیرد اما مقبولیت آن همواره نیازمند حضور مؤثر آحاد مردم است. از سویی دیگر اصل حضور مردم است که به تشکیل حکومت می انجامد و مردمنده که در مواقع لزوم، پاسداری نظام را برعهده خواهند گرفت.

نگاه به مردم و اهتمام به آرای آنان، از شاخصهای مکتب سیاسی حضرت امام خمینی (ره) است و از این روست که پس از سقوط رژیم منحوس شاهنشاهی، اولین اقدام امام بزرگوار ما مراجعه به آرای عمومی بوده است.

رژیم پهلوی و سلسله‌های پیش از آن، کوچک‌ترین سهمی را برای نظرات آحاد جامعه قائل نبودند و انتخابات آن دوران بیشتر پوششی بود بر تن استبداد شاهان. بسیاری از مردم از آمد و شد نمایندگان اطلاعی نداشتند و در طول عمر خود یک بار هم صندوق رأی را ندیده بودند.

با پیروزی انقلاب اسلامی نگاه ملت ایران به سیاست تغییر کرد و حضور در صحنه‌های سیاسی به عنوان یک وظیفه‌ی شرعی قلمداد گردید. اعتماد مردم به نظام اسلامی باعث شد که نصابهای بسیار چشمگیر و کم سابقه در پای صندوقهای رأی شکل گیرد. اکنون نظام مقدّس ما از مردمی‌ترین حکومتهاست. در این نظام حتّی رهبر جامعه با واسطه انتخاب می‌گردد و از رأی مردم به عنوان حقّ الناس صیانت می‌گردد.

شایان ذکر است که بین انتخابات در جمهوری اسلامی و انتخابات در دیگر حکومتها تفاوت جدّی وجود دارد. انتخابات در بسیاری از نقاط جهان، جنگ بر سر قدرت است در حالی که انتخابات در نظام اسلامی، رقابتی برای دست‌یابی بهترین فرد برای مسئولیتهاست.

بر این اساس است که باید انتخابات تراز جمهوری اسلامی برخوردار از ویژگیهای خاص خود باشد. در این عرصه هر یک از افراد مؤثر در امر انتخابات وظایفی را بر عهده خواهند داشت. در بیانات رهبر

معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی) به روشنی وظایف هریک از افراد، اقشار و نهادهای مرتبط با انتخابات مشخص شده است.

انتشارات انقلاب اسلامی در آستانه‌ی انتخابات دوره‌ی پنجم خبرگان رهبری و دوره‌ی دهم مجلس شورای اسلامی، مجموعه کتابهایی را در موضوع انتخابات و با بهره‌گیری از بیانات رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) تدوین نماید. این مجموعه شامل نه جلد است که هر کدام از آن، سهمی را در تبیین نظریه‌ی انتخاباتی معظم له خواهد داشت. سرفصلهای کتابهای مجموعه به شرح زیر است:

۱. واجب سیاسی (بیان اهمیت انتخابات، انتخابات مجلس خبرگان و مجلس شورای اسلامی)
۲. راه و اصول امام (بازخوانی خط امام برای سنجش عیار احزاب و جریانهای فعال در انتخابات)
۳. جوابهای بی‌تعبیر (شرح توطئه‌ها و برنامه‌های دشمنان برای انتخابات)
۴. اصولگرای اصلاح طلب انقلابی (به منظور بازخوانی شاخصهای جریانهای وفادار به نظام)
۵. مجری و ناظر (شرح وظایف وزارت کشور و شورای نگهبان)
۶. همه باهم (شرح وظایف عموم مردم در انتخابات)
۷. تکلیف نخبگان (شرح وظایف نخبگان و خواص در امر انتخابات)

۸ انتخاب صالحان (الزامات داوطلبی)

۸. ویژگیهای نماینده‌ی صالح

۹. الزامات داوطلبی (شرح وظایف نامزدها و
بایدها و نبایدهای رفتاری آنان در ایام انتخابات)

ومن الله التوفيق

فهرست مطالب

۱۱.....	ضرورت تمکین همگان در برابر قانون در انتخابات
۱۲.....	اهمیت پرهیز از اختلاف و برخوردهای خطی در انتخابات
۱۶.....	عامل نگرانی مردم؛ استفاده از روشهای غیرصحیح و پرخرج در تبلیغات
۲۰.....	توصیه‌هایی به کاندیداها
الف) در نظر گرفتن ارزشهای نظام، خودداری از تخریب و دادن آمارهای سست	۲۰.....
ب) پرهیز از تبلیغات پرخرج	۲۱.....
کلامی با رأی‌نیاوردگان انتخاباتی	۲۲.....
ضرورت پرهیز نامزدها از وعده‌های غیرواقعی و اسراف در تبلیغات	۲۲.....
ضرورت پرهیز همگان از ایجاد تشنج در زمان انتخابات	۲۳.....
وظیفه‌ی کاندیداها و طرفداران آنها؛ رفتار با کرامت	۲۵.....
ضرورت رعایت انصاف در نقد دولت در فعالیتهای انتخاباتی	۲۶.....
ابراز نگرانی از رواج اخلاق بی‌انصافی در جامعه در زمان انتخابات	۲۸.....
اهمیت رعایت انصاف و صدق و حق توسط کاندیداها	۲۸.....
لزوم پرهیز کاندیداها از بیان سخنان دشمن‌پسند	۲۹.....
لزوم پرهیز از تخریب و ایجاد دشمنی در تبلیغات انتخاباتی توسط کاندیداها	۳۰.....
زیر سؤال بردن اصل انتخابات؛ بزرگترین جرم	۳۲.....
سوءاستفاده‌ی دشمن از اشتباهات کاندیداهاى انتخاباتی	۳۲.....
ضرر تسلیم نشدن کاندیداها و طرفداران در برابر قانون	۳۴.....
ضرورت پرننگ نمودن خط مرزی با دشمنان و مخالفان در	

۱۰ انتخاب صالحان (الزامات داوطلبی)

انتخابات..... ۳۵

لزوم پذیرش قانون حتی در صورت مخالفت با میل و نظر ما..... ۳۶

ضرر کشاندن انتخابات به کف خیابانها..... ۳۷

ضرورت تمکین همگان در برابر قانون در انتخابات
در مسئله‌ی انتخابات و غیرانتخابات، همه
باید تسلیم رأی قانون باشند؛ در مقابل قانون تمکین
کنند. آن حوادثی که در سال ۸۸ پیش آمد - که
برای کشور ضرر داشت و ضایعه‌آفرین بود - همه
از همین ناشی شد که کسانی نخواستند به قانون
تمکین کنند؛ نخواستند به رأی مردم تمکین کنند.
ممکن است رأی مردم برخلاف آن چیزی باشد که
من شخصی مایل به آن هستم؛ اما باید تمکین
کنم. آنچه که اکثریت مردم، اقلیت مردم آن را
انتخاب کردند، باید همه تمکین کنند؛ همه باید
زیر بار بروند. خوشبختانه سازوکارهای قانونی برای
رفع اشکال، رفع اشتباه، رفع شبهه وجود دارد؛ از این
راهکارهای قانونی استفاده کنند. اینکه وقتی آنچه
که اتفاق افتاده است، برخلاف میل ما شد، مردم را
به شورش خیابانی دعوت کنیم - که این در سال ۸۸

اتفاق افتاد - یکی از خطاهای جبران ناپذیر است. این تجربه ای شد برای ملت ما، و ملت ما همیشه در مقابل یک چنین حوادثی خواهد ایستاد.^۱

اهمیت پرهیز از اختلاف و برخوردهای خطی در انتخابات

سرفصل سوم، مربوط به مسائل سیاسی جامعه و همین رقابتها و برخوردهای خطی است. به نظر من، در این زمینه آنچه که ما بگوییم، از آنچه که امام فرمودند، کمتر و نارساتر است. در این قضایا، امام لب مطلب را بارها و بارها گفتند. واقعاً به خط امام برگردیم. دو گروهند، باشند؛ اما چرا باهم تعارض میکنند؟ مگر نمیشود نقاط مشترک را هم در قبال نقاط محل افتراق مورد توجه قرار داد؟ چه اشکالی دارد جمعهایی که باهم معارضند جمعهای روحانی، جمعهای دانشجویی، جمعهایی که در مجلس یا جاهای دیگر هستند، هر چند وقت یک بار با همدیگر بنشینند، آن نقاط مشترک فی مابین خودشان را به زبان بیاورند؟ شما مگر در چند چیز باهم اختلاف دارید؟ مگر نقاط اختلاف، از نقاط اتفاق و وحدت نظر قوی تر و مهمتر است؟ چه کسی چنین چیزی را گفته است؟ چه کسی میتواند این حرف را ادعا بکند؟

آن کسی که به برادر مسلمان خودش، که گرایش

۱. در حرم مطهر رضوی در اولین روز سال ۹۲/۱/۱۳۹۲

و خطّ سیاسیش با او فرق دارد، اهانت میکند، به او میپرد، علیه او مینویسد و داد سخن میدهد، آیا نمیدانند که با این کار چه چیزی از دست خواهد داد؟ شما میخواهید به خیال خودتان برادران را اصلاح کنید. آیا آن کسی که این انتقاد و این اعتراض یکسره و مطلق شما را - که غالباً اعتراضها مطلق است - میشوند، او همان برادر شماست؟ برو برادرت را مخفیانه پیدا کن، هرچه میخواهی به او بگو؛ چرا با این اختلاف افکنی، مردم و مخاطبان عمومی جامعه را دچار تشویش فکری میکنی؟

من باید این را صریحاً عرض بکنم که متأسفانه از طرفین چنین کارهایی هست. اگر کسی بگوید که ما در این جهت یک جناحی هستیم، ما ملاحظه میکنیم، باید بگوییم که نخیر، من این را تأیید نمیکنم. متأسفانه طرفین برخوردهای خشن و نامتناسب با محیط اسلامی باهم دارند. حرفها با اهانت، با خلاف واقع و احیاناً با تهمت همراه است. از کار یک نفر، یک جمع بندی کلی و یک استنتاج عمومی میکنند که این غلط و تزویر است. برادران! اگر این کار ادامه پیدا کند، ما چه چیزی را از دست میدهیم؟ مردم و همین اعتمادی را که عرض کردم. من یک وقت عرض میکردم که اگر مردم اهل اصطلاح باشند، الان اجماع مرکب برفسق همه است؛ چون طرفین مُجمَعند! اینها میگویند آنها بدند، آنها هم میگویند اینها بدند، و قول ثالثی نیز

وجود ندارد! این چطور برخورد کردن با قضایاست؟ اعتماد مردم را به اصل نظام از دست می‌دهیم. نگوید مردم به نظام بی‌اعتماد نمی‌شوند؛ این نظامی که ده سال، یازده سال، کسی مثل امام بالای سرش بود و آن شلاق کوبنده‌ی فرمایشهای آن بزرگوار بر سر و شانه‌ی همه‌ی ما فرود می‌آمد. به حجم فرمایشهای امام نگاه کنید؛ من گمان نمی‌کنم که در هیچ موضوعی به قدر موضوع اختلافات، ایشان مطلب فرموده باشند، در عین حال ماها اصلاح نشدیم. آیا این نشان می‌دهد که بنیان کار خراب است؟ اگر ادامه بدهید، این استنتاج را شما برای مردم درست می‌کنید و دیگر نمی‌روند نقاط مثبتی را که در این بین هست، پیدا کنند و روی آن تأمل نمایند؛ خواهند گفت که معلوم می‌شود اشکالی در اصل کار هست! شما می‌بینید که برادران کج فکر می‌کنند؛ مثلاً اگر روزنامه دارد، در روزنامه‌اش بد را همی را انتخاب کرده؛ واعظ است در منبرش بدطوری حرف می‌زند؛ نماینده‌ی مجلس است، یا مسئول دولتی است، بد روشی را اتخاذ کرده است. اگر شما آن انتقاد تیز زهراً گین تلخ را نکنید، واقعاً چه پیش می‌آید؟ آیا اگر این کار را نکردید، اسلام از دست خواهد رفت؟! انقلاب از دست خواهد رفت؟! والله نه. اگر کسی برای نفسش این را تسویل^۱ بکند، باید نفس خودش را متهم بکند. این، تسویل نفسانی و شیطانی است.

آن چنان تسویل میکنند که اگر مثلاً این مقاله را شما در اینجا ننوشتید، اگر این حرف را در فلان تریبون نزدیید، اگر آن سخنرانی را در آنجا نکردید، همه چیز زیرو رو خواهد شد! نه، اگر اینها را انجام بدهید، خیلی چیزها زیرو رو خواهد شد!

الان انتخابات در پیش است. جناحهای مختلف بنشینند با یکدیگر همفکری و تبادل نظر و کار مشترک کنند و به هم نزدیک شوند؛ مگر نمیشود؟ اتحاد و نزدیک شدن به هم، تنازل لازم دارد. نمیشود که ما همان جای خودمان بایستیم، دیگری هم همان جای خودش بایستد، و بعد بگوییم که به یکدیگر نزدیک بشویم. نزدیکی به این است که یک قدم شما بردارید، یک قدم هم او بردارد.

به نظر من، اختلافات واقعی، کمتر از تظاهر به اختلاف است؛ این هم خودش نکته‌ای است. اختلاف و شکاف و جدایی واقعی بین برادران، به مراتب کمتر از آن چیزی است که بر زبان می‌آورند. من نمیدانم این حالت مبالغه‌گویی ما در حرف زدن‌ها و در اظهارات، چرا متوقف نمیشود؟! طوری حرف میزنند که آن خوش خیالهای بیچاره‌ای که در بیرون نشستند، خیال میکنند که همین فردا اینها به هم می‌پزند و علیه یکدیگر اسلحه برمیدارند! حرفها این‌گونه تند است.

این حرفها دشمنان را به طمع می‌اندازد؛ کما اینکه الان آمریکاییها به طمع افتاده‌اند؛ حتی بعضی

از گروه‌های مرده هم به طمع می‌افتند! چرا این‌گونه حرف می‌زنید؟ دل‌های شما به هم نزدیک‌تر از این حرف‌هاست که در اظهاراتتان نشان داده میشود. این هم مسئله‌ی بعدی بود که به نظر من مسئله‌ی مهمی هم است و هرچه هم گفته بشود، کم است.^۱

عامل نگرانی مردم؛ استفاده از روش‌های غیر صحیح و پرخرج در تبلیغات

همان‌طور که مستحضرید، این روزها شاهد تبلیغات انتخاباتی نامزدهای انتخابات شوراهای هستیم. به نظر میرسد حجم وسیع این تبلیغات، دو نگرانی در بعضی از مردم ایجاد کرده باشد: نگرانی اول این است که مشاهده میشود بعضی از روش‌های غیر صحیح، از سوی بعضی از نامزدها انجام میشود و مردم را نسبت به نیت این افراد دچار تردید میکند که نکند به جای نیت خدمت به مردم، منافع و منظورهای دیگری داشته باشند. از طرف دیگر، با این حجم وسیع تبلیغات، نگرانی دوم این است که نکند در انتخابات، سرمایه و پول حرف اول را بزند، نه تعهد و تخصص؛ یعنی کسانی که امکاناتی برای تبلیغات ندارند، به ویژه جوانان یا اقشار دانشگاهی، نتوانند افکارشان را معرفی کنند و در نتیجه برگزیده نشوند. شما برای حل این مشکل و رفع این نگرانیها چه پیشنهادهایی دارید؟

۱. در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام ۲۳/۰۵/۱۳۷۰

حرفی که شما میزنید، حرف دل من است. من هم به هیچ وجه این وضعیّت را نمیپسندم. البته تبلیغ کاری لازم است؛ منتها تبلیغ یک معنای صحیح و اسلامی و انسانی دارد و آن، رساندن است. بالاخره انسان بایستی حرفی را که در دل دارد به مخاطب مورد نظرش برساند. این هیچ اشکالی هم ندارد؛ یعنی از روشهای معمولی استفاده کند و برساند. یک معنای تبلیغ که امروز در دنیا رایج است، به معنای غربی تبلیغ است؛ یعنی آن چیزی که در نظام سرمایه داری غرب معمول است. تبلیغ در آنجا اصلاً به معنای این نیست که حقیقتی را از جایی به مغزی منتقل کنند؛ بلکه معنایش تحت تأثیر قرار دادن دلها و مغزها با شیوه های علمی و روان شناسی است. مثلاً فرض کنید یک جا پنجاه قطعه عکس را بغل هم میزنند؛ آدم همین طور هرچه نگاه میکند، طبعاً در ذهنش میماند. این مانع تفکر و تعقل میشود.

یک وقت است که شما چیزی را به من میگویید، روی ذهن من کار میکنید، به معنای اینکه ذهن مرا به حقیقتی متوجه کنید. خیلی خوب؛ من هم فکر میکنم، اگر دیدم درست است، از شما میپذیرم؛ اگر نه، قبول نمیکنم. بسته به این است که من در چه مایه ای از فکر باشم. یک وقت هم هست که شما با تکرار تصاویر و کلمات، آن چنان روی من اثر میگذارید که مغز من قدرت تجزیه و تحلیل خودش

را از دست می‌دهد. گاهی میشود که انسان اصلاً بی‌اختیار تحت تأثیر چنین تبلیغی همین پروپاگاندا معروف غربی قرار می‌گیرد و بدون اینکه مغزش کار کند، به آن چیزی که آن تبلیغ‌کننده خواسته، اقدام میکند. این قطعاً برخلاف نظر اسلام و برخلاف منطق صحیح انسانی است و ما این را نمی‌پسندیم. متأسفانه در تبلیغات جمعی ما این کارها معمول شده است و یواش یواش این چیزها را از غریبها یاد گرفته‌اند! البته به آن شدتها نیست؛ واقعاً آن کاری که در کشورهای غربی انجام می‌گیرد، فوق‌العاده و عجیب است. فرض بفرمایید عطری را بخواهند تبلیغ کنند و مثلاً در توصیفش بگویند عطر بی‌رنگ و بو! طبیعتاً خصوصیت عطر به بویش است؛ اما آن قدر این را با شکل‌های گوناگون تبلیغ میکنند که انسان می‌رود این عطری را که اسمش عطر بی‌رنگ و بوست، پول می‌دهد و می‌خرد! این کار الان انجام می‌گیرد. من این کار را غلط میدانم.

البته در قضیه‌ی انتخابات شوراها، برخی از کارهایی که مطبوعات ما در این زمینه مرتکب میشوند، بی‌تأثیر نیست. بلاشک بخشی از گناه این کار به دوش مطبوعات است؛ مطبوعاتی که حقیقتاً مسئولیتی برای خودشان نمیشناسند، یا مسئولیت اسلامی و مردمی برای خودشان قائل نیستند؛ هدف را برای خودشان تعریف کرده‌اند و دنبال این هدف سیاسی محض هستند. طبیعی است که این

هدف، آنها را تشویق میکند. این مقدار کاغذ و این مقدار امکانات هم قاعدتاً آسان به دست نمی‌آید. من واقعاً متحیرم که اینها از کجا می‌آورند و این همه تبلیغ میکنند! جا دارد دستگاههای ذی ربط کشور بنشینند روی این مسئله فکر کنند. در عین حال این از جمله توصیه‌های همیشگی ما به کسانی است که با آنها ارتباطی داریم، مسئولان یا غیرمسئولان کشوری و در مورد تبلیغات معمولاً به آنها سفارش میکنیم؛ ولی قاعدتاً این باید یک فرهنگ بشود. باید به مردم تفهیم کنند که این کار، کار خوبی نیست. در عین و به صورت واضح هم گفته شود. ما هم گفتیم؛ باز هم ان شاء الله خواهیم گفت. باید بفهمند که این مقدار کار کردن و این طور حرکت غلط، یک تقلید نادرست است. به هر حال این ایرادی را که در ذهن شماست، من تصدیق میکنم. در ذهن بنده هم همین ایراد هست. مقداری از عکسهای دیوارهای شهر را برداشتند برای من آوردند؛ حقیقتاً برای من چیز مطلوبی نبود و خیلی ناپسند به نظرم رسید. البته عرض کردم، تبلیغ به معنای درست اشکالی ندارد. مثلاً حرفها و هدفهایشان را در روزنامه‌ای بنویسند و در جایی منتشر کنند. حتی به در و دیوار هم بزنند، تا تبلیغ به معنای واقعی آن باشد؛ لیکن این روشها، روشهای غلطی است.^۱

۱. در جلسه‌ی پرسش و پاسخ با مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی ۱۳۷۷/۱۲/۰۴

توصیه‌هایی به کاندیداها

ما به آقایان محترمی که در این میدان هستند، این چند توصیه را عرض میکنیم:

الف) در نظر گرفتن ارزشهای نظام و خودداری از تخریب و دادن آمارهای سست

در تبلیغاتشان ارزشهای نظام را ندیده نگیرند؛ همدیگر را تخریب نکنند و از دادن آمارهای سست پرهیزند. اگر قرار شد به مردم آماری بگویند و حرفی بزنند، آمارهای دقیق ارائه کنند. با مردم با کمال صداقت حرف بزنند؛ هرچه عقیده‌شان هست، به مردم بگویند. اگر بخواهند در دل مردم اثر بگذارند، این صداقت، بیشتر در دل مردم اثر میگذارد. آن چیزی که حقیقتاً عقیده و نیت آنهاست، آن را به مردم بگویند؛ اختیار با مردم است که چیزی را انتخاب کنند. وحدت ملی را خدشه دار نکنند. طوری نباشد که به خاطر جذب یک دسته یا یک گروه، حرفی بزنند که وحدت ملت خدشه دار شود. وعده‌هایی که معلوم است نمیتوانند به آنها عمل کنند، به مردم ندهند. آنچه که در چهارچوب قانون اساسی است و امکانات مملکت از امکان آن حکایت میکنند، آن را به مردم بگویند. بله، به مردم قول بدهند که اگر رأی آوردند، با همه‌ی قوا و قدرت خودشان و با اتکال به خدا و با اتکا به مردم، مدیریت عالی و کلان کشور را در دست میگیرند و

پیش میبرند؛ «خذاها بقوّة»؛ با قوت این مأموریت را به دست بگیرند و پیش بروند و در هیچ جا ضعف نشان ندهند.

ب) پرهیز از تبلیغات پُرخرج

تبلیغات پُرخرج هم نکنند. یکی از کارهایی که بنده - چه در تبلیغات انتخابات مجلس و چه در انتخابات ریاست جمهوری - همیشه نگران آن هستم، این است. نه خودشان تبلیغات پُرخرج کنند، نه به طرفدارانشان اجازه دهند. بعضی افراد ممکن است بگویند به ما ربطی ندارد؛ این کار پُرخرج را دیگران میکنند. شما بگویید نکنند. خوشبختانه آن گونه که اطلاع پیدا کردم، ساعت‌های فراوانی برای نامزدها وقت گذاشته‌اند که از طریق تلویزیون و رادیو با مردم حرف بزنند. شاید سیزده چهارده ساعت هر کدام از این حضرات وقت دارند که با مردم حرف بزنند. خیلی خوب؛ این بهترین تبلیغات است. رادیو و تلویزیون همه جا وجود دارد؛ چه نیازی هست که برای تبلیغات گوناگون رنگینی که بعضی جاها میکنند، پول زیادی مصرف شود که احیاناً بعضی افراد هم نتوانند خودشان آن خرج را کنند و مجبور باشند از کسانی بگیرند و خدای نکرده وامدار شوند؟^۱

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۲۸/۰۲/۱۳۸۰

کلامی با رأی‌نیاوردگان انتخاباتی

آخرین مطلب در باب انتخابات این که: مسئولان از توطئه‌ی دشمن در کار انتخابات غافل نشوند. آن کسانی هم که در انتخابات رأی نمی‌آورند، مواظب باشند آن کلاهی که بر سر رأی‌نیاوردگان سال ۸۸ رفت، بر سر آنها نرود؛ فریب نخورند. همه‌ی نامزدهای انتخابات و همه‌ی هواداران شان، خودشان را در مقابل توطئه‌ی احتمالی دشمن مسئول امنیت بدانند. انتخابات را متهم نکنند؛ کسی آب به آسیاب دشمن نریزد؛ در تبلیغات، القای فضای اختلاف و ناامیدی نشود، تا ان شاء الله انتخابات خوبی داشته باشیم.^۱

ضرورت پرهیز نامزدها از وعده‌های غیر واقعی و اسراف در تبلیغات

من از نامزدهای انتخاباتی خواهش میکنم در تبلیغات، حرفهای واقعی بزنند و کارهایی که میتوانند انجام دهند و آنچه واقعاً عقیده‌شان هست، آن را به مردم بگویند. مردم را آزاد بگذارند تا هرکس را خواستند، انتخاب کنند. در این تبلیغات، خرج و اسراف هم نشود. بنده گمان میکنم اگر کسی برای خدا از اسراف در تبلیغات و کارهای ناباب اجتناب کرد، خدای متعال به او کمک خواهد کرد و او را در مقصودی که دارد، موفق خواهد گرداند.^۲

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۴/۱۱/۱۳۹۰

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۲۴/۱۱/۱۳۸۲

ضرورت پرهیز همگان از ایجاد تشنج در زمان انتخابات

انتخابات در پیش است. انتخابات یکی از میدانهای مهم همبستگی است. در باره‌ی انتخابات حرف زدیم، همه حرف زدند و تا وقت انتخابات هم باز هرچه لازم باشد، عرض خواهیم کرد. آنچه مهم است، این است که مردم در این میدان گزینش، همبستگی خود را نشان دهند. ملت ایران این فرصت گزینش را تا قبل از انقلاب اسلامی در هیچ دوره‌ای نداشت؛ انقلاب اسلامی است که این فرصت را در اختیار ملت ایران گذاشته است. قبل از انقلاب اسلامی، ملت ایران می‌نشستند تماشا میکردند تا کسی سرکار بیاید و هرچه میخواهد، تصمیم بگیرد. چه کسی آنها را سرکار می‌آورد؟ دستهای مختلف و دسته‌بندیهای گوناگون سیاسی دنیا؛ یک روز روسها، یک روز انگلیسیها، یک روز آمریکاییها. در این قضایا، ملت ایران تماشاچی ماجرا و بی‌اختیار محض بود.

آزادی و دموکراسی‌ای که انقلاب به ما داد، حتی در دوران مصدق هم - که دوران نسبتاً آزاد و به قول خودشان دموکراسی بود - به هیچ وجه نبود. دکتر مصدق مجلس شورای آن روز را منحل کرد - یعنی چیزی که به حسب ظاهر نماد دموکراسی بود، که البته در آن، دموکراسی هم نبود - و گفت من اختیارات میخواهم. اختیارات را گرفت؛ اول

شش ماه، بعد شش ماه دیگر. در دو سال حکومت خودش، یک سال یا بیشتر، با اختیارات مطلق زمامداری کرد؛ خودش قانون وضع میکرد، خودش امضا میکرد و خودش به اجرا میگذاشت. این کجا با نظام جمهوری اسلامی قابل مقایسه است که یک روز در این بیست و شش سال نشد که مجلس شورای اسلامی و نمایندگان مردم نداشته باشد؟ در همه این دوران، انتخابات، پی در پی برگزار میشد. بیست و شش سال از عمر جمهوری اسلامی دارد میگذرد و ما حدود بیست و پنج شش انتخابات داشته‌ایم؛ این فرصتی است برای ملت ایران؛ این فرصت را اسلام و انقلاب و جمهوری اسلامی به ما داد. بعضی نمک خورده‌اند و نمکدان میشکنند و نسبت به جمهوری اسلامی ناشکری میکنند.

امروز هم طمع دشمنان این ملت و طمع آمریکاییها این است که باز بیایند همان آتش و همان کاسه را در این کشور برقرار کنند و دیکتاتوری‌ای را به شکلهای جدیدتر و مدرن‌تری به وجود بیاورند تا خیلیها نفهمند در این کشور چه دارد میگذرد. اما ملت ما ایستاده است و باز هم می‌ایستد. ملت ایران قدر این آزادی و قدر این حضور مردمی و قدر این اختیار مردمی را باید خیلی بداند؛ همه‌ی ما باید قدر بدانیم. این را انقلاب و اسلام به ما داد. این، نعمت الهی است؛ باید آن را شکر بگذاریم؛ شکرش هم به این است که در این میدان وارد شویم. با برادری و

محبت، فضا را فضای محبت کنند. من به همه‌ی کسانی که نامزد انتخابات ریاست جمهوری هستند و طرفداران آنها صمیمانه عرض میکنم که فضای کشور را فضای دشمنی و نقار و تشنج و اختلاف نکنند. البته ملت این طور نیستند؛ گروهی هستند که اگر مجموعشان را بشمریم، به چند هزار نفر نمیرسند. بالاخره هرکس طرفدارانی دارد - اینها فضای روزنامه‌ها و دستگاہهای ارتباط جمعی را متشنج میکنند. فضا باید دوستانه باشد؛ هرکس حرفهای خودش را بزند و برنامه‌های خودش را بگوید و کاری را که خودش میتواند بکند، بیان کند؛ به دیگران چه کار دارند؟ فضا را متشنج نکنند؛ فضا را برادرانه و صمیمانه بکنند.^۱

وظیفه‌ی کاندیداها و طرفداران آنها؛ رفتار با کرامت در انتخابات با کرامت رفتار کنند همه؛ چه آنهایی که نامزد میشوند، چه آنهایی که طرفدار آنها هستند، چه آنهایی که مخالف با بعضی از نامزدها هستند. جناحهای مختلف کشور، بداخلاقی و بدگویی و اهانت و تهمت و این حرفها را مطلقاً راه ندهند. این از آن چیزهایی است که اگر پیش بیاید، دشمن از او خوشحال میشود.^۲

۱. در دیدار خانواده‌های شهدا ۱۳۸۴/۰۳/۰۳

۲. در دیدار جمعی از افسار مختلف مردم قم ۱۳۸۶/۱۰/۱۹

ضرورت رعایت انصاف در نقد دولت در فعالیت‌های انتخاباتی

یک چیز دیگری که این روزها انسان مشاهده میکند - که این را هم می‌خواهم بخصوص از نخبگان خواهش کنم که توجه کنند - قضاوتها درباره‌ی مسائل دولت و کارهای دولت است. البته این از آثار نزدیک شدن به دوره‌ی انتخابات است؛ با اینکه خیلی هم نزدیک نیست و ما حدود نُه ماه هنوز تا انتخابات فاصله داریم، اما خاصیت انتخابات این است که عناصر، فعال میشوند؛ حرف می‌زنند. خوب، حرف بزنند. حالا در باب انتخابات حرفهای گفتنی متعددی هست که ان شاء الله در وقت خودش، در فرصت مناسب خودش، آنها را به ملت عزیزمان عرض خواهیم کرد؛ حالا هنوز زود است. لیکن انسان احساس میکند که در بین آنچه که امروز گفته میشود، بی‌انصافیهایی صورت می‌گیرد. اگر کسی برای آینده‌ی کشور، برای حل آنچه که معضلات کشور مینامند، برنامه‌ای دارد، حرفی دارد، آن حرف را بیان کند. اگر چنانچه میتواند راه حلی برای مشکلاتی که وجود دارد - حالا مثلاً مشکل گرانی یا تورم - پیدا کند، آن راه حل را بگویند. تخریب کردن مسئولین، تخریب کردن دولت، هیچ مصلحت نیست و جزو کارهای صحیح اسلامی نیست. البته در بعضی از جاهای دیگر؛ در بعضی از کشورهای دنیا به نام دموکراسی، به نام آزادی، آبروهایی را از

بین میبرند، اشخاصی را به لجن میکشند؛ اینها کارهای اسلامی نیست، اینها کارهای آنهاست؛ مثل خیلی از کارهای دیگرشان. آنچه که در زمینه‌ی مسائل اقتصادی یا غیراقتصادی گفته میشود، در درجه‌ی اول باید در محافل کارشناسی گفته شود، نه در منبرها و تریبونهای عمومی. انسان گاهی اوقات میبیند چیزهایی میگویند که بی انصافی میشود. نباید اخلاق نکوهیده‌ی بی انصافی در جامعه‌ی ما رواج پیدا کند؛ ما نباید دچار بی انصافی بشویم؛ بخصوص نخبگان بخصوص نخبگان نگاه کنند، منصفانه حرف بزنند. ما عرض کرده‌ایم که تخریب درست نیست. نه آن کسانی که طرفدار یک شخصی یا یک گروهی هستند، نه آن کسانی که مخالف آن شخص یا آن گروه هستند، مقابله‌ی آنها با یکدیگر هیچ لزومی ندارد که به صورت تخریب باشد؛ هیچ لازم نیست؛ منطقی حرف بزنند، انتقادی دارند، انتقاد کنند. خدا را شکر میکنیم که فضای کشور ما بر اثر نظام اسلامی، فضای آزادی است؛ فضای بازی است؛ مردم فرصت دارند، میتوانند حرفشان را بزنند، نخبگان هم میتوانند حرف بزنند. مردم هم استماع میکنند، میشنوند و حرفها را با یکدیگر مقایسه میکنند و آنچه که به نظرشان حق است، میپذیرند و قبول میکنند.^۱

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۳۰/۰۶/۱۳۸۷

ابراز نگرانی از رواج اخلاق بی‌انصافی در جامعه در
زمان انتخابات

من نگرانی‌ام از این نیست که حرفی زده شود، از کسی انتقاد شود؛ نه. یک نفر انتقاد میکند، یک نفر هم جواب میدهد. نگرانی من از رایج شدن اخلاق بی‌انصافی در جامعه است. خدمات فراوانی انجام می‌گیرد، انسان همه را کنار بگذارد، به نقطه‌ای بچسبد، این درست نیست. البته این خطاب به همه است. این را ما به شخص خاصی، به گروه خاصی، به جناح خاصی عرض نمی‌کنیم، این را به همه عرض می‌کنیم. همه مراقب باشند یکدیگر را تخریب نکنند. این فضای تخریب، فضای خوبی نیست. مردم هم خوششان نمی‌آید. من این را حالا در حضور شما مردم به آن حضرات می‌گویم: اگر شما خیال می‌کنید که شما بیایید بنشینید و فلان مسئول یا فلان جریان را مذمت کنید، مردم لذت می‌برند و خوششان می‌آید، اشتباه می‌کنید. مردم از فضای تخریب خوششان نمی‌آید.^۱

اهمیت رعایت انصاف و صدق و حق توسط کاندیداها نکته‌ی آخر در باب انتخابات این است که نامزدهای محترمی که تاکنون نام‌نویسی کرده‌اند و مشغول تبلیغات و اظهاراتی هستند. اگرچه حالا وقت قانونی هم نرسیده، اما تبلیغات میکنند؛

اشکالی ندارد. سعی کنند با انصاف عمل کنند. اثبات و نفی‌شان با توجه به حق و صدق باشد. چیزهایی را که انسان می‌شنود، باور نمی‌کند که از زبان نامزدها و آن کسانی که دنبال این مسئولیتها هستند، از روی صدق و صفا خارج شده باشد. گاهی انسان حرفهای عجیب و نسبتهای عجیبی می‌شنود. این حرفها مردم را نگران می‌کند؛ کسی را هم به گوینده‌ی این حرفها دل بسته و علاقه‌مند نمی‌کند! نامزدهای محترم توجه داشته باشند: اذهان عمومی را تخریب نکنند. این همه نسبت خلاف دادن به این و آن، تخریب‌کننده‌ی اذهان مردم است؛ واقعیت هم ندارد؛ خلاف واقع هم هست. بنده که از همه‌ی این آقایان اوضاع کشور را بیشتر میدانم و بهتر خبر دارم، میدانم که بسیاری از این مطالبی که به عنوان انتقاد درباره‌ی وضع کشور و وضع اقتصاد و اینها می‌گویند، خلاف واقع است؛ اشتباه می‌کنند. إن شاء الله اشتباه است. امیدواریم که خداوند متعال برای این ملت خیر و صلاح و آبادانی کامل را مقدر فرموده باشد.^۱

لزوم پرهیز کاندیداها از بیان سخنان دشمن‌پسند
همه‌ی مسئولین نظام باید به این نکته توجه کنند و به اسلام و احکام اسلام و به ارزشهای اسلامی افتخار کنند. درست است که دشمنان اسلام یعنی

۱. در جمع مردم استان کردستان، ۲۲/۰۲/۱۳۸۸

دشمنان ملت ایران - این را نمی‌پسندند. بدیهی است شما وقتی در مقابل یک دشمنی قرار بگیرید، اراده‌ی قوی داشته باشید، اسلحه‌ی کارآمد داشته باشید، دشمن این را نمی‌پسندد؛ میخواهد اراده‌ی شما را، از شما بگیرد و شما را تضعیف کند؛ اسلحه را از دستتان بگیرد. دشمنان ایران و ایرانی میدانند که مایه‌ی ایستادگی و اقتدار این ملت و اراده‌ی مستحکم او، همین ایمان اسلامی او بود؛ میخواهند این را از او بگیرند. آنها تبلیغات جهانی را در همین جهت سازماندهی میکنند. ما باید هوشیار باشیم؛ مسئولین ما باید هوشیار باشند؛ نامزدهای انتخابات باید هوشیار باشند. مبدا نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری در تبلیغات خود برای دلخوشی دشمنان حرفی بر زبان جاری نکنند. رضایت خدا را باید در نظر گرفت، رضایت اولیا را باید در نظر گرفت. آن چیزی را باید معیار قضاوت قرار داد که مایه‌ی ایستادگی ملت است، مایه‌ی استحکام ملت است، مایه‌ی استقامت مردم است و او پایبندی محکم به اسلام است.^۱

لزوم پرهیز از تخریب و ایجاد دشمنی در تبلیغات انتخاباتی توسط کاندیداها

خود نامزدهای محترم هم مراقب باشند. نمی‌پسندد انسان که ببیند یک نامزدی، چه در

۱. در جمع تعدادی از خانواده‌های شهدا، ۱۳۸۸/۰۳/۰۳

نطقهای تبلیغاتی، چه در سخنرانی، چه در تلویزیون، چه در غیر تلویزیون، برای اثبات خود متوسل بشود به نفی آن دیگری، آن هم با یک استدلالهای گوناگون؛ به نظر من این درست نیست. قبلاً هم من یک توصیه‌ای در این مورد کردم، حالا هم در این روزهای آخر عرض میکنم. نامزدها همه برای یک هدف دارند کار میکنند. هرکسی به نظر خودش یک احساس مسئولیتی، تکلیفی دارد، می‌آید میدان. من با مناظره و معارضه و گفتگو و انتقاد مخالفتی ندارم؛ اما سعی کنید این در چهارچوبهای درست شرعی و دینی انجام بگیرد. مردم، مردم بیداری هستند، میفهمند، میدانند. این چهار نفر نامزدی که از شورای نگهبان تأیید شده‌اند و در اجتماعات گوناگون سخنرانی میکنند، خود آن نامزدهای محترم توجه کنند، مراقبت کنند که در این سخنرانیها، در این اظهارات، جوری نباشد که منتهی بشود به ایجاد دشمنی و ایجاد نقار؛ با برادری و با مهربانی پیش بروند. البته اختلاف نظر، اختلاف رأی، اختلاف سلیقه، در مسائل گوناگون، در مسائل شخصی، در مسائل عمومی، یک امر طبیعی است؛ اشکالی هم ندارد. نگذارید این به اغتشاش منتهی بشود. این را خود نامزدهای محترم هم توجه کنند.^۱

۱. در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) ۱۳۸۸/۰۳/۱۴

زیر سؤال بردن اصل انتخابات؛ بزرگترین جرم
زیر سؤال بردن اصل انتخابات بزرگترین جرمی
بود که انجام گرفت. چرا شما نسبت به این جرم
چشمپوشی را میبندید؟! این همه زحمت کشیده
بشود، مردم بیایند، یک شرکت به این عظمت،
یک نصاب شکنی، یک رکودشکنی در دنیا در
مردم سالاری، در دموکراسی ای که این قدر ادعایش را
میکنند، انجام بگیرد، بعد یک عده مفت و مسلم
بیایند بدون استدلال، بدون دلیل، همان فردای
انتخابات بگویند: انتخابات دروغ است! این کار
کوچکی است؟! این جرم کمی است؟! یک قدری
باید منصف بود توی این قضایا.^۱

سوءاستفاده‌ی دشمن از اشتباهات کاندیداهای انتخاباتی

دشمن هم حدّا کثراستفاده را از این کرد. یک
عده هم هستند در داخل کشور، از اوّل با نظام
جمهوری اسلامی موافق نبودند. مال امروز و دیروز
نیست، سی سال است که موافق نیستند. از این
فرصت استفاده کردند، دیدند عناصری وابسته به
خود نظام، از خود نظام، دارند این جور میدان داری
میکنند، اینها هم وقت را مغتنم شمردند، آمدند
داخل میدان؛ و دیدید. من روز اوّل این را پیغام
دادم به همین حضراتی که صحنه‌گردان این قضایا

۱. در دیدار جمعی از نخبگان علمی کشور ۰۶/۰۸/۱۳۸۸

هستند؛ آن ساعات اوّل من به آنها پیغام خصوصی دادم. من اگر یک وقتی توی نماز جمعه یک حرفی میزنم، این ابتدا به ساکن نیست؛ حرف خصوصی، پیغام خصوصی، نصیحت لازم انجام میگیرد، وقتی انسان ناچار میشود، یک حرفی را می آورد در علن بیان میکند. من پیغام دادم، گفتم این را شما دارید شروع میکنید، اما نمیتوانید تا آخر کنترل کنید؛ می آیند دیگران سوءاستفاده میکنند. حالا دیدید آمدند سوءاستفاده کردند. مرگ بر اسرائیل را خط زدند! مرگ بر آمریکا را خط زدند! معنای این کار چیست؟ آنی که وارد عرصه ی سیاست میشود، باید مثل یک شطرنج باز ماهر هر حرکتی را که میکند، تا سه تا چهارتا حرکت بعد از او را هم پیش بینی کند. شما این حرکت را میکنی، رقیبت در مقابل او آن حرکت دیگر را خواهد کرد؛ باید فکرش باشی که توجه حرکتی خواهی کرد. اگر دیدی در آن حرکت دوّم، تودر میمانی، امروز این حرکت را نکن؛ اگر کردی، ناشی هستی. حالا تعبیر بهترش این است. توی این کار، توی این بازی، توی این حرکت، ناشی هستی، ناواردی. اینها نمیفهمند چه کار میکنند؛ یک حرکتی را شروع میکنند، ملتفت نیستند که در حرکات بعد و بعد و بعد، چطور در خواهند ماند؛ مات خواهند شد. اینها را باید محاسبه میکردند. مطلب اصلی این بود. زیر سؤال رفتن انتخابات، مواجه کردن مجموعه ای از مردم. آنها هیچ نیّت

سوئی هم ندارند؛ وارد میدان انتخابات شدند، طبق عقیده‌شان عمل کردند؛ خیلی هم خوب- با نظام، با کشور، با حرکت عمومی کشور، اینها کارهای کوچکی نیست. اگر شما منصفید، آن حرکت‌های جانبی را، آن قضایای جانبی را ببینید، اهمّیتش را هم در نظر داشته باشید؛ اما مهم‌تر بودن این را هم در نظر داشته باشید.^۱

ضرر تسلیم نشدن کاندیداها و طرفداران در برابر قانون

در این فتنه‌های بعد از انتخابات، آن چیزی که اساس قضیه است، این است که رأی مردم و حضور مردم از نظریک عده‌ای نفی شد، مورد خدشه قرار گرفت، نظام تکذیب شد، مورد تهمت قرار گرفت. گناه بزرگی که انجام دادند، این بود. اینها بایست تسلیم میشدند. بالاخره وقتی انتخابات با همین معیارهایی که در اسلام وجود دارد- که حالا بعضی از معیارها و شاخصهایی که برای انتخابات در نظر ما معتبر است، که نظر اسلام است، من عرض میکنم- اتفاق افتاد، بایستی در مقابل قانون، در مقابل داوری قانون تسلیم شد؛ همچنان که باید در مقابل آن داوری که قانون او را معین میکند، تسلیم شد. اگر قانون در مسئله‌ی مهمی مثل مسئله‌ی انتخابات یک داوری را مشخص کرده است، یا یک

شیوه‌ی داوری را مشخص کرده است، باید تسلیم این بشوند، ولو برخلاف میل‌مان باشد؛ این میشود انتخابات سالم.^۱

ضرورت پررنگ نمودن خطّ مرزی با دشمنان و مخالفان در انتخابات

تأکید بر خطوط مرزی نظام با مخالفان و دشمنان، در انتخابات لازم است. ممکن است دو نظر مختلف درباره‌ی یک مسئله‌ی اجتماعی یا اقتصادی بین نامزدها وجود داشته باشد؛ هیچ مانعی ندارد، این دو نظر را بگویند؛ لیکن مرزبندی کنند با آن چیزهایی که نظرات مخالف با نظام است. مشخص بکنند که مرز ما چیست؛ این مرزبندی لازم است. بارها ما بر روی این مرزبندی تأکید میکنیم؛ این به خاطر این است که اگر مرزبندیها ضعیف بشود، مرزها کم‌رنگ بشود، موجب اشتباه مردم میشود. مثل مرزهای کشوری، که اگر مرزها تضعیف شد و کم‌رنگ شد، عده‌ای میتوانند داخل مرز بشوند، با قصد خیانت، بدون اینکه شناخته شوند؛ عده‌ای میتوانند از این مرز خارج بشوند با غفلت، بدون اینکه بدانند دارند از مرز خارج میشوند. لذا بایستی بر مرزها تأکید بشود. اشتباه و خطای فاحش کسانی که این مرزها را در انتخابات رعایت نمیکنند، همین است که مردم را دچار زحمت میکنند، دچار حیرت میکنند.

۱. در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۱۲/۰۶

بایستی خطوط مرزی نظام با مخالفان نظام، با دشمنان نظام، کاملاً مشخص شود، بر آن تکیه شود و از مخالفان نظام اعلام برائت بشود. البته در انتخابات باید منافع نظام، منافع کشور، مصالح کشور، بر مصالح حزبی و جناحی و شخصی و امثال اینها ترجیح داده شود و نظرات، نظرات شفاف و روشنی باشد؛ معلوم باشد که چه میخواهند. اگر چنانچه یک چنین انتخاباتی انجام بگیرد، این بلاشک به نفع نظام، به نفع پیشرفت کشور و به نفع مردم خواهد بود؛ نظام را زنده و بانشاط نگه میدارد و پیش میبرد.^۱

لزوم پذیرش قانون حتی در صورت مخالفت با میل و نظر ما

در انتخابات، دو تا مسئله از همه مهمتر است: مسئله اول، حضور مردم، شرکت مردم - که بایستی وسیع و گسترده باشد - مسئله دوم، قانون‌گرایی در انتخابات، وفاداری به قانون، احترام به رأی مردم. اینجور نباشد که اگر چنانچه انتخابات بر طبق نظر و میل ما انجام گرفت، این را ما قبول داشته باشیم؛ اگر برخلاف نظر ما بود، «وان یکن لهم الحق یأتوا الیه مذعنین»^۲. اگر حق را به ما دادند، آنی که ما میخواهیم، سرکار آمد، قانون را قبول داریم؛ اگر آنی

۱. همان

۲. سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۵۴

که ما می‌خواهیم، سرکار نیامد، می‌زنیم زیر قانون؛ نه قانون را قبول داریم، نه رأی مردم را قبول داریم؛ این نمیشود. فتنه‌ی ۸۸ همین جور بود. ادعا کردند که قانون‌گرا هستند، بعد خب مردم به آنها رأی ندادند، اکثریت مردم به کس دیگری رأی دادند؛ اینها بنا کردند دعوا راه انداختن که چرا! کشور را، ملت را مدتی مضطرب کردند، دشمن را خوشحال کردند؛ البته آخرش هم در مقابل مردم دیگر تاب نیاوردند و عقب نشستند.

گناه آتش افروزان فتنه‌ی ۸۸ همین بود که به قانون تمکین نکردند، به رأی مردم تمکین نکردند. ممکن است کسی بعد از انتخابات اعتراض داشته باشد؛ خیلی خوب، این اعتراض ایرادی ندارد؛ اما راه قانونی دارد که چگونه باید این اعتراض را بیان و دنبال کرد. اگر قانون را قبول داریم، باید از آن راه برویم. این هم نکته‌ی اصلی است.^۱

ضرر کشاندن انتخابات به کف خیابانها

آخرین وصایای امام را به یاد بیاورید؛ قانون، فصل الخطاب است؛ قانون را فصل الخطاب بدانید. انتخابات اصلاً برای چیست؟ انتخابات برای این است که همه‌ی اختلافها سر صندوق رأی حل و فصل بشود. باید در صندوقهای رأی معلوم بشود که مردم چی می‌خواهند، چی نمی‌خواهند؛ نه

۱. در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه ۲۰/۰۷/۱۳۹۰

در کف خیابانها. اگر قرار باشد بعد از هر انتخاباتی آنهایی که رأی نیاوردند، اردوکشی خیابانی بکنند، طرفدارانشان را بکشند به خیابان؛ بعد آنهایی که رأی آورده اند هم، در جواب آنها، اردوکشی کنند، بکشند به خیابان، پس چرا انتخابات انجام گرفت؟ تقصیر مردم چیست؟ این مردمی که خیابان، محل کسب و کار آنهاست، محل رفت و آمد آنهاست، محل زندگی آنهاست، اینها چه گناهی کردند؟ که ما می‌خواهیم طرفدارهای خودمان را به رخ آنها بکشیم؛ آن طرف یک جور، این طرف یک جور. برای نفوذی تروریست - آن کسی که می‌خواهد ضربه‌ی تروریستی بزند - مسئله‌ی او مسئله‌ی سیاسی نیست؛ برای او چه چیزی بهتر از پنهان شدن در میان این مردم؛ مردمی که می‌خواهند راهپیمایی کنند یا تجمع کنند. اگر این تجمعات پوششی برای او درست کند، آن وقت مسئولیتش با کیست؟ الان همین چند نفری که در این قضایا کشته شدند؛ از مردم عادی، از بسیج، جواب اینها را کی بناست بدهد؟ واکنشهایی که به اینها نشان داده خواهد شد - تو خیابان از شلوغی استفاده کنند، بسیج را ترور کنند، عضو نیروی انتظامی را ترور کنند - که بالاخره واکنشی به وجود خواهد آورد، واکنش احساسی خواهد بود. محاسبه‌ی این واکنشها با کیست؟ انسان دلش خون میشود از بعضی از این قضایا؛ بروند سوی کوی دانشگاه، جوانها را، دانشجوها را - آن هم

دانشجوهای مؤمن و حزب‌اللّهی را، نه آن شلوغ‌کنها را - مورد تهاجم قرار بدهند، آن وقت شعار رهبری هم بدهند! دل انسان خون میشود از این حوادث. زورآزمایی خیابانی بعد از انتخابات کار درستی نیست، بلکه به چالش کشیدن اصل انتخابات و اصل مردم‌سالاری است.

من از همه می‌خواهم به این روش خاتمه بدهند. این روش، روش درستی نیست. اگر خاتمه ندهند، آن وقت مسئولیت تبعات آن، هرج و مرج آن، به عهده‌ی آنهاست.

این تصوّر هم غلط است که بعضی خیال کنند با حرکات خیابانی، یک اهرم فشاری علیه نظام درست میکنند و مسئولین نظام را مجبور میکنند، وادار میکنند تا به عنوان مصلحت، زیر بار تحمیلات آنها بروند. نه، این هم غلط است. اولاً تن دادن به مطالبات غیرقانونی زیر فشار، خود این، شروع دیکتاتوری است. این اشتباه محاسبه است؛ این محاسبه‌ی غلطی است. عواقبی هم اگر پیدا کند، عواقبش مستقیماً متوجه فرماندهان پشت صحنه خواهد شد. اگر لازم باشد، مردم آنها را هم در نوبت خود و وقت خود خواهند شناخت.^۱

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۲۹ / ۰۳ / ۱۳۸۸